

هویت

در اشعار قیصر امین پور

(با تأکید بر هویت ملی)

ز بنم، دولتخواهی



کتاب سنگان

دولتخواهی، زینب، ۱۳۶۰ -

سرشناسه

هویت در اشعار قیصر امین پور (با تأکید بر هویت ملی)/زینب دولتخواهی.

عنوان و نام پدیدآور

سمنان : کتاب سمنگان ، ۱۳۹۷.

مشخصات نشر

۳۰۰ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.

مشخصات ظاهری

۳۰۰۰۰۰ ریال ۷-۴۸-۸۲۸۹-۶۰۰-۹۷۸ :

شابک

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه.

کتاب حاضر در اصل پایان نامه کارشناسی ارشد مولف است.

یادداشت

امین پور، قیصر، ۱۳۳۸ - ۱۳۸۶. -- نقد و تفسیر

موضوع

شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

موضوع

th century -- History and criticism Persian poetry -- ۲۰

موضوع

هویت در ادبیات

موضوع

Identity (Philosophical concept) in literature :

موضوع

ویژگی های ملی ایرانی در ادبیات

موضوع

National characteristics, Iranian, in literature

موضوع

۱۳۰۲P۱۳ ۱۳۰۲۷ ۸۴ ای/م

رده بندی کنگره

۱۸۴۱ : ۶۲

رده بندی دیویی

۵۱۷۹۸۳۵ :

شماره کتابشناسی ملی



نام کتاب: هویت در اشعار قیصر امین پور

(با تأکید بر هویت ملی)

زینب دولتخواهی

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۷-۴۸-۸۲۸۹-۶۰۰-۹۷۸ = ISBN:

همه حقوق محفوظ است .

سمنان - بلوار نهضت شمالی، تلفن ۰۹۲۱۴۸۰۷۴۶۰

samanganbook@gmail.com

۳۰/۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۸	فصل اول: حدیث قیصر
۲۰	بخش اول: زندگی نامه
۲۰	از زید تا دانشگاه
۲۱	حضرت در دانشگاه
۲۲	خوزه هنری
۲۳	مجله سرش
۲۴	شعری برای من
۲۶	آن اتفاق سرد
۲۹	بخش دوم: آثار قیصر
۲۹	معرفی اجمالی آثار
۳۱	در کوچه افتاب
۳۵	تنفس صبح
۴۷	مثل چشمه، مثل رود
۵۴	آینه‌های ناگهان
۶۲	گلها همه آفتابگردانند
۶۸	دستور زبان عشق
۷۳	بخش سوم: سیر تحول در شعر قیصر
۷۳	سیر تحول در شعر قیصر
۷۵	قالب
۸۴	زبان شعری قیصر
۸۵	نوآوری و شالوده شکنی در شعر قیصر
۸۸	سبک بی سبکی
۹۰	نگاهی به اندیشه شاعر

۹۴	گاهشمار زندگی و آثار قیصر
۹۷	فصل دوم: هویت
۹۸	بخش اول: تعریف‌های مقوله هویت
۹۸	تعریف هویت
۱۰۳	اشکال هویت
۱۲۳	بخش دوم: هویت ملی
۱۲۳	تعریف هویت ملی
۱۲۶	ارکان هویت ملی
۱۳۰	ابعاد هویت ملی
۱۴۵	اسطوره و هویت
۱۴۹	رسوم ملی و مذهب و هویت
۱۵۱	هنر و هویت
۱۶۷	انقلاب مشروطیت و هویت
۱۶۸	هویت ملی و رابطه آن با ملت
۱۷۱	بحران هویت
۱۷۹	نقش ادبیات در هویت ملی
۱۸۳	فصل سوم: هویت در اشعار قیصر امین‌پور
۱۸۴	بخش اول: هویت فردی شاعر
۱۸۴	هویت در شعر قیصر
۱۸۵	شاعر و هویت فردی او
۱۸۸	- درد و رنج و خودشناسی
۱۹۷	- غربت، تنهایی و حسرت
۲۰۱	- حسرت و کودکی
۲۰۴	- حیرانی و سرگردانی و طرح برشش (راز)
۲۱۰	- عشق
۲۱۵	بخش دوم: هویت اجتماعی
۲۱۵	هویت اجتماعی
۲۱۶	- نگرانی‌های اجتماعی
۲۲۵	قیصر و هویت ملی

۲۲۵	- هویت سیاسی و اجتماعی
۲۲۷	- صلح
۲۲۹	- تحولات اجتماعی (تاریخ)
۲۳۴	- هویت فرهنگی
۲۳۵	- اسطوره‌ها
۲۳۹	- مثل‌ها
۲۴۲	- معماری
۲۴۳	- موسیقی
۲۴۴	- فرنگ عامیانه ایرانی «فولکلور»
۲۴۵	- سنت‌ها و آداب و رسوم
۲۵۰	- اصطلاحات عامیانه
۲۵۱	- شاعر و هویت دینی
۲۵۳	- دفع (سرود)
۲۵۹	- تلفیق حساسه و عرفان
۲۶۲	- سوگ سروده‌ها
۲۶۲	- اشعار آیینی
۲۶۵	- شعر انتظار
۲۶۹	- شعر عاشورایی
۲۷۱	- آیات قرآن و استفاده از مضامین دینی
۲۷۶	- هویت و زبان
۲۷۸	- نوآوری در حوزه زبان
۲۸۷	- نوآوری در حوزه واژه‌ها
۲۹۳	- فهرست منابع
۲۹۹	- منابع الکترونیکی



مقدمه

«قرن‌ها بود که طره‌ایی تشنه و پراکنده بودیم. نسل در نسل تشنه می‌آمدیم و تشنه می‌رفتیم؛ به ناگهان برفه چشمه‌ای در دل سنگ بسته‌شد؛ و جوشیدن گرفت. به ناگاه نه! این آبی بود که سالها در دل سیاه زمین زندانی بود و به دنبال راهی می‌گشت تا بجوشد و راهی شود؛ و سرانجام از دهان زخم‌ها سرباز کرد و جوشیدن آغاز کرد.»^۱ این جملات تعریفی هنری از زبان قیصر امین‌پور درباره هنر است.

این چشمه هنر است که در قالب‌های گوناگون ظرف جودی عالم را می‌آراید. هنر به تعبیر جلال ستاری در معنای عمومی کلمه، «خالق و ناشر طبیعی و ناشی از قریحه و استعداد و منطبق بر کارکردی که اساساً بهنجار در نتیجه، دستوری است.»^۲ اصطلاح هنر، واژه زیبایی را به ذهن نزدیک می‌کشد و هنرمند خالق زیبایی است و خدا نیز زیباست و زیبایی را دوست دارد.

^۱ - امین‌پور، طوفان در برانتز، ۱۳۶۵: ص ۷۷

^۲ - ستاری، ۱۳۸۳: ۶۰

هنر در قالب‌های معماری، موسیقی، شعر و داستان، خط و نقاشی، مجسمه‌سازی و در تمام ابعاد زندگی بشر ریخته شده است و هر یک از آن‌ها به نوعی گویای هویت جامعه و مردم خود هستند.

اما زبان رکن اساسی هر فرهنگ محسوب می‌شود و همه مؤلفه‌های هویتی در چارچوب آن معنا پیدا می‌کند، اهمیت آن تا اندازه‌ای است که ملی‌گرایان به رواج زبان اصلی خود اعتقاد راسخ دارند. درواقع فرهنگ بر زبان استوار است. تمام اجزای فرهنگ، مانند دین، معماری، علوم، خانواده، نظام سیاسی و حتی ارتش و سایر امور مربوط به آنها نیز متکی به زبان است.^۱

در ایران نیز ما شاهد این تأثیر زبان بر مؤلفه‌های هویتی هستیم. ادبیات فارسی آینه تمام‌نمای فرهنگ ملی ایران و یکی از مؤثرترین عوامل تحکیم و تقویت هویت ملی ما ایرانیان است.

هویت به معنی کیستی و جاستی شامل تمام موجودات می‌شود. به این معنی که هرآنچه هستی دارد، هویت دارد اما در بعد کیستی هویت که انسان مطرح می‌شود، ما باید بدانیم که هستیم؟ به کدامین زمین و مردم تعلق داریم؟ باید فرهنگ، زبان و تاریخ خود را بشناسیم و احساس تعلق و تعصب به آنها داشته باشیم. کلی‌ترین تقسیم‌بندی هویت، تفکیک آن به دو سطح هویت فردی و هویت اجتماعی است. هویت با سطح فردی آن، موضوعی روان‌شناختی است و شامل خصوصیات جسمانی و ویژگی‌های روحی و اخلاقی فرد می‌شود که شخص را از دیگران متمایز می‌کند. درحالی که سطوح مختلف هویت اجتماعی در زمره علم جامعه‌شناختی قرار می‌گیرد و اصالت بیشتری دارد و سایر ابعاد

^۱ - رک، عالی عباس آباد، ۱۳۸۹: ص ۸۱

هویتی را نیز دربر می‌گیرد. از میان انواع آن «هویت ملی» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هویت ملی اصطلاحی نسبتاً جدید است که مبدأ حرکت و خیزگاه آن سیاست و ایدئولوژی است نه فرهنگ؛ اگرچه گاهی با نگاه فرهنگی آن را تعریف می‌کنند. هویت ملی، عامل پیوند آحاد ملت است و اقوام، گروه‌ها و طبقات مختلف مردم از زن و مرد گرفته تا پیر و جوان آن را احساس کرده، خود را متعلق به آن می‌دانند. بنابراین وجود هویت ملی که در محدوده مرزهای سرزمینی شکل می‌گیرد، باعث وحدت و یکپارچگی می‌شود. از جمله مؤلفه‌های هویت ملی: هویت سیاسی، جغرافیایی، دینی، فرهنگی و زبانی است.

ادبیات فارسی در ایران بر دیگر مؤلفه‌های هویت ملی «اشتراک در زبان، نژاد، مذهب، روحیه، اسطوره، تاریخ، هنر و انسجام سیاسی» جنبه غالب دارد. به عبارت دیگر، ادبیات فارسی غیر تنها عنصر هویت ایرانی، در طول تاریخ هزار و چند ساله ایران است؛ به این معنی که ادبیات فارسی، فرهنگ مشترک ملی همه اقوام ایرانی را در برابر خورده فرهنگ‌ها، زبان‌ها و گویش‌هایی که اغلب فقط در محاوره به کار می‌رود، به بهترین و گویاترین شکل بیان می‌دهد. و شعر به دلیل قابلیت‌های ممتازی که دارد از میان همه انواع ادبی، بیش از هر نوع دیگر ادبی، هویت ملی ایران را منعکس می‌کند.^۱

شعر کلامی است غالباً موزون که عنصر خیال در آن پررنگ می‌شود. خیال با شگردهای هنری، بر احساس و اندیشه مخاطب اثر می‌گذارد. شعر در ایران، پا را از قالب هنر برای هنر فراتر گذاشته است و شاعران شعر را یک پدیده انسانی و برای انسان‌ها تعریف کرده‌اند. شعر در ایران، بازتابی هنرمندانه از هویت ملی ما

^۱ - ر.ک، امین، ۱۳۸۴: ۱۲

ایرانیان است. در دوران معاصر، به ویژه بعد از انقلاب مشروطه، جایگاه شعر در ایران متحول شد. اگر در گذشته مضمون بیشتر اشعار شاعران غنایی، روایی و یا مرثیه بود و شاعران با دربار و جدای از مردم شعر می‌سرودند، از آن پس، شعرها مردمی شدند و شاعران زبان حال مردم را می‌سرودند. آنها با بهره‌گیری از زبان اسطوره و یا نمادگرایی، حرف خود را به مخاطب، که گاه دربار و درباریان بودند، می‌زدند و ایجاد ساختار جدید در شعر با عنوان شعر نیمایی، آنها را در رسیدن به هدف یاری می‌کرد. رواج اشعار سیاسی و اجتماعی در کنار اشعاری در قالب آزاد، گویای این مدعاست.

همان‌طور که گفته شد در دوران معاصر با پرچمداری نیما یوشیج، موجی جدید در شعر ایران بوجود آمد. شاعران نوگرا وزن عروضی و گاه قافیه را مانعی جدی برای سرودن می‌دانستند و از سویی با راه‌یافتن مفاهیمی چون آزادی، وطن، هویت، مبارزه با ظلم، دفاع از مظلوم و... در قالب اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی، تأثیرگذاری اندیشه سایر کشورها و نیز اعتقاد به مردمی شدن شعر، چارچوب‌های سنتی شعر را کنار زدند.

البته حرکت نیما نیز مانند تمام حرکت‌های نو در ایران قبل از او در احاطه سنت بود؛ با این تفاوت که او توانست حصار قدیمی سنت را بشکند. کوئن در مبحث دگرگونی فرهنگی می‌گوید: «هرچند مردم نسبت به رها کردن سنت‌ها، ارزش‌ها و آداب و رسوم خود، برای قبول سنت‌ها، ارزش‌ها و رسوم تازه، انعطاف‌ناپذیر و سختگیرترند، کمتر فرهنگی است که در طول تاریخ دچار دگرگونی نشده‌باشد.»^۱ بنابراین نیما، آغازگر این انحراف شدید از سنت در شعر

^۱ - ضیاء الذینى، ۱۳۸۹: ۲۵۳

فارسی است.

از هنگام پایه‌گذاری شعر نو تا به امروز جریان‌های شعری متفاوتی در ادب پارسی به وجود آمدند که هر یک در بیان ابعاد گوناگون هویت ملی ایران سهمی بسزا داشتند. این جریان‌ها عبارتند از: جریان شعر سنت‌گرای معاصر «در شعر شاعرانی چون شهریار، رهی معیری، مهدی حمیدی شیرازی»، جریان شعر رمانتیک «مانند شاعری که فردگرا» در اشعار کسانی چون نادرپور، توللی، مشیری»، جریان شعر رمانتیک جامعه‌گرا و انقلابی «در شعر شاعرانی چون رحمانی و ابتهاج»، جریان شعر سمبولیک و اجتماعی «در شعر شاعرانی چون شاملو، سپهری، اخوان ثالث، شفیعی کدکنی، خرداد رآتش»، جریان شعر موج نو و حجم‌گرا «در شعر کسانی چون احمدی و رزاد»، جریان شعر مقاومت «در شعر شاعرانی مانند موسوی گرمارودی، صفارزاده و سرزاده»، سرانجام جریان شعر انقلاب یا شعر جنگ که «از جمله شاعران آن علی معلم دادستانی، سید حسن حسینی و قیصرامین پور هستند.»^۱ در این میان شاعرانی نیز بوده‌اند که در هر دو زمینه سنتی و نو قلم‌فرسایی کرده‌اند و چه بسا موفق بوده‌اند؛ مانند قیصرامین پور که کارش را با شعر مقاومت و کلاسیک آغاز کرد و در مسیر تکامل خود علاوه بر جریان فوق، وارد حوزه‌های اجتماعی، مذهبی و کمابیش رمانتیک نیز شد. کارش خود را از برون‌گرایی به درون‌گرایی محض تغییر داد، تا جایی که او را شاکردی معاصر در کلاس درس اشعار نیمایی می‌دانند.

در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن شروع جنگ تحمیلی، شاعران نیز پا به پای مردم، پا در میدانی گذاشتند که نمود عینی مقابله حق و باطل، و

^۱ - رک پورچاقی، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۳۷۶

ظالم و مظلوم بود. هشت سال شهادت‌طلبی، عشق، ایثار و رشادت، از جان گذشتگی و حماسه آفرینی فرزندان این مرز و بوم، در اشعار شاعران که اندیشه‌های متعهد انقلاب بودند، ضبط شد. حادثه‌ای که ریشه در فرهنگ عاشورا داشت و به حماسه کربلا می‌مانست.

قیصرامین‌پور نیز از جمله این شاعران است. شاعری انقلابی و مردمی که خود اهل جنوب بود و درد و رنج مردم جنگ‌زده را به خوبی درک می‌کرد. او در شعر خود، سرودن را آغاز کرد که به خاطر موقعیت خاص اجتماعی و حوادث روزگار، یعنی دوران انقلاب و به‌خصوص جنگ تحمیلی، ایجاد شور و انگیزه در میان جوانان برای حضور در خط مقدم جبهه‌ها را وظیفه شعر خود می‌دانست و با استفاده از شیوه‌های قدیم، از ضرباهنگ کلمات، راه خود را هموار می‌کرد. او در کتاب «تنفس صبح»، که به شایستگی سیاسی و اجتماعی و برون‌گراست، بهترین جنگ‌سروده‌های خود را چون «معرای برای جنگ»، به تصویر کشید؛ تا جایی که عده‌ای او را «ملک‌الشعرای انقلاب» میدانند.

قیصر را در شعر پس از انقلاب، با حافظ در میان شاعران کهن مقایسه کرده‌اند. اگرچه او مانند علی معلم و احمد عریضی، صاحب سبک نیست، اما احاطه و توانایی‌اش در استفاده از بیشترین قابلیت کلمات و در عین حال سادگی، استفاده از زیبایی‌های شعری و مضامین بکر، شعر او را نمونه کاملی از «گفتار سهل و ممتنع» ساخته‌است. در سلوک شعری او در دهه هفتاد با پایان یافتن جنگ، تفاوت‌هایی به وجود آمد. او که در «تنفس صبح»، از موضع خود که صریح و بی‌هیچ ملاحظه‌است، دفاع می‌کند و به عبارتی از زبان مردم سخن می‌گوید، در دیگر آثار خود به سوی تعدیل این عقیده پیش رفته تا جایی که در

«گله‌ها همه آفتابگردانند»، شاعر، به میزان قابل توجهی در خود خزیده‌است و فقط روایتگر بی طرف حسن و حال خویش است.^۱

هویت و مؤلفه‌های هویتی، اصطلاحاتی هستند که امروزه مورد توجه بسیاری از پژوهشگران در حوزه‌های مختلف قرار گرفته است. هویت فردی، هویت اجتماعی، هویت ملی و ابعاد آن در تمام کشورها مطرح و بررسی می‌شود. بررسی ریشه‌ی هویتی در آثار نویسندگان، شاعران و هنرمندان و ارزش‌گذاری آنها بر این اساس نیز امروزه مورد توجه قرار گرفته است.

هویت فردی عبارت است از: ویژگیهای شخصی افراد مانند قد، رنگ پوست، سن، شغل، نژاد، جنس، ... نیز تمام ویژگی‌هایی که یک جمع برای شخص تعریف کرده‌اند.

هویت اجتماعی، آن دسته از ویژگی‌هاست که فرد به وسیله آنها شناخته می‌شود. هر فرد به عنوان عضوی از یک جامعه، دارای هشت هویت اجتماعی است: هویت نژادی، هویت تباری، هویت قومی، هویت دینی، هویت زبانی، هویت طبقاتی، هویت جنسی و هویت ملی.^۲

و هویت ملی، «فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به مسائل‌های پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی خود»^۳ است.

^۱ - ربک، همان: ۲۵۷

^۲ - ربک، صدر، ۱۳۷۷: ۸۵-۸۸

^۳ - گودرزی، ۱۳۸۷: ۲۰